

قتل در فراش

دکتر محمد جعفر حبیب‌زاده

دانشیار دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

«قتل در فراش» عبارت است از این که شوهر زن خود و مرد اجنبی را به هنگامی که در حال ارتکاب زنا هستند بکشد. برابر ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی چنانچه شوهر، همسر خود و مرد اجنبی را در چنین حالتی به قتل برساند، از قصاص معاف می‌شود. البته در مورد قتل زن، شرط معافیت از قصاص آن است که زن خود به ارتکاب زنا تمایل داشته باشد و تحت اکراه و اجبار قرار نگرفته باشد.

در قانون مجازات عمومی مصوب سال ۱۳۰۴، ماده ۱۷۹ به این موضوع اختصاص داشت. قانونگذار در آن زمان، بدون توجه به موازین فقهی، دایره شمول حکم معافیت را توسعه داده بود، به نحوی که حتی مواقعه بین زن و مرد بیگانه را شرط ندانسته بود و چنانچه شوهر، آنها را در حالتی که موجب توهم

انجام واقعه شود، مشاهده می‌کرد، نیز در صورت ارتکاب قتل از معافیت مطلق یا نسبی مجازات برخوردار می‌شد.

در خصوص مبنای این معافیت و عدم مسؤولیت مرد، نظرهای مختلفی توسط فقها و حقوقدانان ارایه شده است. از جمله اینکه به تئوری دفاع مشروع، حدوث حالت برانگیختگی یا تحریک، اجرا و اقامه حد الهی و مهدورالدم بودن زانی و زانیه استناد شده است. از نظر فقهی نیز روایات مرسله منقول در کتاب دروس شهید اول، مستند حکم قرار گرفته است. در این مقاله در پی تحلیل حقوقی نظرهای مذکور هستیم.

کلید واژه‌ها: فراس، قتل، مهدورالدم

۱- مقدمه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و اصلاح قوانین و مقررات براساس موازین شرعی، بسیاری از قوانین حاکم بر جرائم و مجازات‌ها بازنگری شدند که در حوزه حقوق جزا، این امر منجر به تصویب قانون راجع به مجازات اسلامی گردید. بنا بر فرض، قانون مذکور از مقررات فقهی اقتباس گردیده، لکن در اکثر این مقررات به دلیل عدم وجود سابقه فقهی و توجه به مقتضیات زمان از روش قانون مجازات عمومی سابق پیروی شده است. از جمله کتاب پنجم آن با عنوان «تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده» در دویست و سی و دو ماده و چهل و چهار تبصره در دوم خرداد ماه ۱۳۷۵ به تصویب نهایی مجلس شورای اسلامی رسیده و شورای نگهبان نیز در ششم خرداد ماه همان سال آن را تأیید کرده است.

ماده ۶۳۰ قانون مزبور راجع به قتل در فراس است که هم دارای حکم فقهی است و هم قضایی و موضوع آن در ماده ۱۷۹ قانون مجازات عمومی سابق نیز مورد حکم قرار گرفته بود؛ هرچند قانون مجازات اسلامی سال ۶۲ و ۷۰ به این موضوع اشاره‌ای

داشت.

به موجب ماده ۶۳۰ ق.م.ا «هرگاه مردی همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کند و علم به تمکین زن داشته باشد می تواند در همان حال آنان را به قتل برساند و در صورتی که زن مکره باشد، فقط مرد را می تواند به قتل برساند. حکم ضرب و جرح نیز در این مورد مانند قتل است.»

نخستین متن قانونی که در مورد موضوع و حکم ماده ۶۳۰ ق.م.ا. در قوانین ایران وضع شده ماده ۱۷۹ ق.م.ع. مصوب دی ماه ۱۳۰۴ است. به موجب این ماده: «هرگاه شوهری زن خود را با مرد اجنبی در یک فراش یا در حالی که به منزله وجود در یک فراش است، مشاهده کند و مرتکب قتل یا جرح یا ضرب یکی از آنها یا هر دو شود از مجازات معاف است. هرگاه به طریق مزبور دختر یا خواهر خود را با مرد اجنبی ببیند و در حقیقت هم علاقه زوجیت بین آنها نباشد و مرتکب قتل شود به یک ماه تا شش ماه حبس جنحه‌ای محکوم خواهد شد و اگر در مورد قسمت اخیر این ماده مرتکب جرح یا ضرب شود به حبس جنحه‌ای از یازده روز تا دو ماه محکوم می شود.»

تصویب ماده ۱۷۹ ق.م.ع. بیشتر با اقتباس از قانون جزای فرانسه صورت گرفته بود و به این علت، حکم این ماده در حقوق ایران سابقه تاریخی مدونی ندارد.

قانگذار فرانسه در شق دوم ماده ۳۲۴ قانون جزا مصوب ۱۸۱۰ پس از آن که می گوید: «علی الاصول قتل ن به وسیله شوهر یا قتل شوهر به وسیله زن از مجازات معاف نیست، مگر آنکه زندگی مرتکب قتل در خطر افتاده باشد» مقرر می دارد: «مع ذلک در صورتی که مردی همسر خود را در خانه مشترک زوجیت در حال زنا (به گونه‌ای که در ماده ۳۳۶ همین قانون پیش‌بینی شده است) مشاهده کند و مرتکب قتل همسر خود و مرد اجنبی شود، از معافیت قانونی برخوردار خواهد شد.» همان طور که مشاهده می شود در مقرره مذکور فقط خانه‌ای که شوهر به اتفاق همسرش در آن سکونت دارد فراش محسوب شده است و لذا ورود مرد به خانه و مشاهده زن با مرد اجنبی باید ناگهانی باشد و الا اگر

با تبانی شوهر و همسر باشد مشمول معافیت نیست. مطابق ماده ۳۲۶ قانون اخیرالذکر مجازات چنین قتلی به یک تا پنج سال حبس تقلیل پیدا کرده است البته شق دوم ماده ۳۲۴ و نیز ماده ۳۳۶ و ۳۳۹ قانون مذکور به موجب قانون ۱۱ ژوئیه ۱۹۷۵ نسخ شده است و در قانون مجازات جدید فرانسه که با اصلاحات و تغییرات زیاد در ۲۲ ژوئیه سال ۱۹۹۲ به تصویب رسید و در تاریخ اول مارس ۱۹۹۴ به اجرا گذاشته شد، اثری از آن دیده نمی‌شود. به موجب قانون جدید ارتکاب زنا توسط زن شوهردار یا مرد زنده صرفاً از موجبات درخواست طلاق است.

از طرف دیگر باید اذعان داشت که موضوع «قتل در فراش» و تجویز ارتکاب قتل زنی که به همسر خود خیانت کرده و در فراش مرد بیگانه حاضر شده، از موضوعاتی است که بحث از آن حتی در قدیمیترین تمدنها نیز وجود داشته است. از نظر آشوریهها، قتل زن در حال زنا توسط شوهر به دلیل خیانت وی، حق مسلم مرد به شمار می‌رفت. در امپراتوری ژاپن اگر شوهری، همسر خود را در حال خیانت و ارتکاب زنا با مرد بیگانه مشاهده می‌کرد، می‌توانست هر دو آنها را بی‌درنگ بکشد [۲۰]. در یونان باستان و در قرن پنجم، قصاص مستقیم در شرایط خاص مجاز بود و به همین دلیل اگر مردی مشاهده می‌کرد که بین زن یا مادر یا رفیقه یا خواهر یا دخترش با مردی بیگانه رابطه نامشروع برقرار است، قتل آنها بر وی مجاز بود [۱۵]. البته در حقوق رُم قدیم علاوه بر شوهر به پدر نیز چنین حقی داده شده بود که اگر همسر یا دختر خود را در حالتی که با مرد بیگانه رابطه نامشروع برقرار کرده است، ببیند، اقدام به قتل آنان کند. این امر ریشه در مفاهیم قدیمی و اولیه اقتدار و سلطه شوهر و پدر در رابطه با زن و دختر خود در شوون زندگی داشت [۱۹]. به دلیل وجود چنین حکمی در تمدنهای قدیمی در طول قرنهای متمادی، این حکم در قوانین بسیاری از کشورها پیش‌بینی گردید. از جمله ماده ۳۷ قانون جزای پرتغال و ماده ۴۲۸ قانون جزای موناکو و ماده ۴۱۳ قانون جزای بلژیک مصوب ۱۸۶۷ و ماده ۵۸۷ قانون جزای ایتالیا مصوب ۱۹۳۰ به بیان حکم این موضوع پرداخته‌اند [۱۵].

همچنین در قوانین پاره‌ای از کشورهای عربی نیز در این مورد احکامی وجود دارد. از جمله به موجب ماده ۱۵۳ قانون جزای کویت مصوب ۹۶۰ و ماده ۴۰۹ قانون مجازات عراق مصوب سال ۱۹۶۹ مجازات چنین قتلی حداکثر سه سال حبس تعیین شده [۱۳] و در واقع مرتکب از معافیت نسبی برخوردار شده است. طبق ماده ۲۳۷ قانون مجازات مصر مصوب سال ۱۹۳۷، مجازات قتل مزبور به مدت متناسبی حبس بدل از مجازات اعدام و حبس با اعمال شاقه - مقرر در ماده ۲۳۴ و - ۲۳۶ تقلیل یافته است [۱۸].

۲- بحث و بررسی

سؤالی که در عمل مطرح می‌شود این است که اثبات موجه بودن قتل مرد اجنبی و زن شوهردار در فراش به عهده کیست، قاتل یا اولیای مقتول؟ به عبارت دیگر آیا ماده مذکور بر براءة قاتل دلالت دارد و بار دلیل اثبات خلاف موضوع، یعنی خلاف آنچه مورد ادعای اوست بر عهده اولیای دم مقتول است یا اصل بر براءة مقتول است و قاتل باید اتهام مورد ادعا را به اثبات برساند؟

از نظر تعریف حق، بین مرحله ثبوت آن تفاوت وجود دارد. مرحله ثبوت حق یا واقعه حقوقی، تحقق امر در مرحله واقعی است و مرحله اثبات تحقق آن در مرحله استدلال است. به عبارت دیگر صاحب حق باید بتواند در مرحله اثبات، «حق ثبوتی» خود را با دلیل به اثبات برساند، یعنی مرحله ثبوت حق، مرحله وجود واقعی حق بدون توجه به ظهور خارجی آن است و مرحله اثبات، ظهور خارجی آن و قطعی کردنش در نزد محکمه است که در هر حال بین دو مرحله مذکور تلازم وجود دارد و به استناد قاعده «الْبَيِّنَةُ عَلَى الْمُدَّعِي» هرکس که مدعی حق ثبوتی باشد باید برای اثبات آن دلیل ارایه دهد.

به این لحاظ موضوع ماده ۶۳۰ ق.م.ا. نیز مانند هر پدیده حقوقی دیگر دارای دو مرحله ثبوتی و اثباتی است. لذا بررسی موضوع مذکور در دو مرحله به عمل می‌آید:

یکی مرحله‌ای که مربوط به شرایطی است که در صورت جمع آنها مصداق منطبق با ماده مذکور در مرحله تبوتی تحقق پیدا می‌کند. اینکه چه کسی باید برائت خود را ثابت کند یا اتهام طرف مقابل را به اثبات برساند مربوط به چه مرحله اثباتی است.

الف) مرحله نبوتی

قانونگذار در ماده ۶۳۰ ق.م.ا. قتل مرد اجنبی در حال ارتکاب زنا با زن شوهردار و همچنین قتل زن در صورت تمکین به این عمل را توسط شوهر مجاز دانسته است و به شوهر اجازه داده که به قتل یا ضرب و جرح آنان اقدام کند. اما باید توجه داشت که مجاز بودن ارتکاب قتل در این مورد مشروط به وجود شرایطی است و فقط در صورت اجتماع این شرایط، شوهر معاف از مجازات خواهد بود که مرحله نبوتی وادیه است. شرایط مذکور به شرح زیر است:

اول) وجود عنقه زوجیت

مقتن جمهوری اسلامی حکم این ماده را ناظر به مواردی دانسته است که شخص شاهد ارتکاب زنا توسط همسر خود باشد، بنابراین اگر مردی شاهد زنا یا زنی دیگری ولو خواهر، دختر یا مادر خود با مرد اجنبی باشد، مجاز به ارتکاب قتل و حتی ضرب و جرح نیست و در صورت ارتکاب قتل یا ضرب و جرح، حسب مورد مجازات خواهد شد؛ در حالی که ماده ۱۷۹ ق.م.ع. سابقاً، در مورد پدر و برادری که دختر یا خواهر خود را با مرد اجنبی در یک فراتر مشاهده می‌کرد و مرتکب قتل آنها می‌شد معافیت نسبی از مجازات قائل بوده که در حال حاضر این معافیت منتفی است. احراز وجود رابطه زوجیت با توجه به مقررات مندرج در کتاب ششم قانون مدنی صورت می‌گیرد که در این مورد با توجه به انقلاق آن، منظور از نکاح، نکاح دائم و منقطع است. اگرچه بعضی از حقوقدانان این حکم را فقط ناظر به عید دائم می‌دانند [۴] اما در اقوال و گفتار فقها

تفاوتی بین دائم یا موقت بودن نکاح وجود ندارد [۱۲]. حتی به نظر بعضی از حقوقدانان، طلاق رجعی رابطه زوجیت را قطع نمی‌کند و لذا اگر شوهر در مدت عدۀ طلاق رجعی وضعیت مذکور را مشاهده کند و مرتکب قتل شود از معافیت مذکور استفاده می‌کند [۱۸]. هر چند مطابق ماده ۱۱۴۹ ق.م. لفظ یا فعلی که دلالت بر رجوع دارد، باید مقرون به قصد رجوع باشد، و حال آنکه در چنین موردی شوهر قصد رجوع ندارد، بلکه قصد وی ایراد ضرب و جرح یا قتل بوده است، به علاوه شوهر با طلاق زن علقه زوجیت خود را گسیخته است. لذا دیوان عالی کشور در رأی شماره ۱۰۹۴-۱۹/۴/۱۲ گفته است: «با انحلال نکاح، شوهر نمی‌تواند از عذر برانگیختگی استفاده کرده و حتی نمی‌تواند زانی و زانیه را تحت تعقیب جزایی قرار دهد» [۱۹]. به علاوه ممکن است همان‌طور که ماده ۱۷۹ ق.م.ع. پیش‌بینی کرده بود صرف همبستری را برای محق بودن مرد در اقدام مذکور کافی بدانیم؛ درحالی که مقتن به عنوان مضیق و محدود «زنا» توجه خاص داشته است. لذا به استناد مقررات موجود صرف قرارگرفتن مرد اجنبی و همسر در یک فراش کافی برای مجاز بودن قتل آنها نیست؛ زیرا عرفاً فراش مکانی است که عادتاً هیچ زنی بدون شوهر خود به آنجا نمی‌رود و حسب رویه قضایی سابق هم مفهوم «حالت در یک فراش یا به منزله یک فراش» بسیار موسع تلقی می‌شد و فقط عنصر موافقه و هتک ناموس در نظر گرفته نمی‌شد. از جمله شعبه دوم دیوان عالی کشور در رأی شماره ۱۰۶۴۴/۲۴۷۱ مورخ ۱۳۱۶/۱۱/۱۰ چنین نظر داده است: «اعتراض مدعی العموم استیناف بر محکمه جنایی بر آنکه «اظهارات متهم نزد مأمور امنیه حاکی است که مشارالیه عیال خود را در حال ارتکاب و یا حالتی که به منزله یک فراش باشد ندیده و اگر مشارالیه عیالش را در حالت موافقه مشاهده نموده بود در همان محل به قتل او اقدام می‌کرد»، نقض حکم مورد درخواست را ایجاب نمی‌کند؛ زیرا به طوری که از حکم مزبور مستفاد است در نتیجه تحقیقات و به موجب دلایل و نشانیهای استنادیه، اقدام متهم را به قتل زن خود در حالتی که به منزله وجود در یک فراش و مقاون با

مشاهده وضعیت مزبور بوده احراز کرده و با این کیفیت اعتراض مدعی العموم استیناف در حقیقت راجع به ماهیت امر و ایراد به نظر و تشخیص محکمه حاکمه است و برحسب استنباط از دلایل و تحقیقات که اصولاً این اعتراضات را نمی توان موردنظر تمیزی قرار داد، چون از لحاظ اصول و قانون اشکال مؤثر موجب نقض به نظر نمی رسد حکم مورد درخواست تمیز به اتفاق آرا ابرام می گردد». تعمیم مصداق فراش به صورتی که در رأی آمده با امنیت قضایی مغایر است.

دوم) مشاهده زن و مرد اجنبی در حال زنا توسط شوهر

تاکید ماده ۶۳۰ ق.م.ا. بر مشاهده زن و مرد اجنبی در حال زنا توسط شوهر، دادگاه را مکلف به بررسی این ادعا می کند؛ یعنی باید آنها در حال عمل زنا بوده باشند تا قتل انجام شده توسط شوهر مجاز شمرده شود. لذا دیدن فیلم و عکس از واقعه مورد بحث مجوز مشروعیت قتل نیست و رؤیت فیزیکی همسر ملاک است، نه دیگران. در این صورت، اثبات وقوع عمل زنا برعهده قاتل (شوهر) است. فقها نیز بر شرط اینکه مرد باید همسر خود را در حال زنا با اجنبی مشاهده کند اتفاق نظر دارند [۷] اما باید توجه داشت که از نظر ایشان اباحه ارتکاب قتل توسط شوهر در زمان وقوع زنا و اطمینان به ارتکاب زنا توسط زن و مرد اجنبی مربوط به واقع و نفس الامر است؛ ولی برای اینکه دادگاه اقدام قاتل را مباح بداند و بتواند شوهر را از مجازات معاف دارد، او باید بتواند وقوع عمل زنا را اثبات کند. لذا اگر انجام یافتن عمل زنا قطعی نباشد و براساس شبهه مرد باشد، ارتکاب قتل جایز نیست. مثلاً اگر زن و مرد اجنبی دارای پوشش متعارف بوده، مشغول انجام اعمال دیگری غیر از زنا مانند مضاجعه و تقبیل و امثالهم باشند به دلیل عدم تحقق شرط (در حال زنا بودن) قتل آنها مجاز نیست. به رغم نظر مذکور ماده ۱۷۹ ق.م.ع. مورد را تعمیم داده بود و با آوردن عبارت «یا در حالتی که به منزله وجود یک فراش است» دایره شمول حکم معافیت را به غیر مورد زنا هم توسعه داده بود که به

لحاظ فقهی صحیح نبود. از نظر اثبات وقوع زنا نیز چون اقرار به دلیل کشته شدن زانی و زانیه منتفی است، شهادت چهار مرد عادل یا سه مرد عادل و دو زن عادل که شاهد زنا بوده‌اند، لازم است که در این صورت، موضوع نزد حاکم شرع باید ثابت شود (ماده ۷۴ق.م.ا.) یا طبق ماده ۱۰۵ قانون مذکور با علم قاضی اثبات گردد. به هر حال بدون اثبات زنا، قتل مذکور مباح نبوده و چنانچه این امر در دادگاه ثابت نشود، مرتکب از مجازات معاف نخواهد بود و قصاص می‌شود. به علاوه شرط مشاهده زناى زن و مرد اجنبی مقید به مشاهده شوهر است و چنانچه افراد دیگری وی را از وقوع زنا توسط همسرش با مرد اجنبی مطلع کنند یا واقعه را از طریق فیلم و عکس مشاهده کند و بعد از ارتکاب زنا توسط آن دو اقدام به قتل کند، از معافیت مزبور برخوردار نخواهد شد.

در تعریف زنا دادگاه باید به ماده ۶۳ق.م.ا. که مقرر می‌دارد: «زنا عبارت است از جماع مرد با زنی که بر او ذاتاً حرام است گرچه در دبر باشد، در غیر موارد و طی به شبهه» توجه داشته باشد. برای تحقق زنا و اثبات آن بر اساس ادله شرعی که مقنن نیز در قانون مجازات اسلامی به آن توجه کرده، شرایطی لازم است که در عمل اثبات آن تعلیق به محال یا لااقل بعید است و به این لحاظ در بسیاری از موارد احراز شرایط تحقق ماده ۶۳ق.م.ا. مشکل است و لذا پیشنهاد این است که به جای در نظر گرفتن مقرر مستقلاً در این موضوع، از سایر مقررات معاف کننده مانند ماده ۲۲۶ق.م.ا. استفاده شود تا پیش‌بینی این ماده در قانون، شبهه مجوز «زن‌کشی» را که ممکن است مورد ادعای بعضی قرارگیرد، ایجاد نکند.

سوم) ارتکاب قتل در حین مشاهده عمل زنا

به موجب ماده مذکور شوهر صرفاً بلافاصله بعد از مشاهده صحنه جرم ارتكابی، حق کشتن دارد و چنانچه فی‌المجلس اقدام نکند، بعد از جدا شدن زن و مرد اجنبی از هم چنین مجوزی برای او نیست.

مفهوم این ماده دلالت بر این امر دارد که فقط زمانی مرد از قصاص معاف است که بلافاصله بعد از دیدن عمل زنا توسط همسر خود با مرد اجنبی، اقدام به قتل کند و چنانچه بعد از اتمام عمل و خارج از وقت و محلی که عمل مزبور در حال انجام است مرتکب قتل شود، چنین قتلی جنبه انتقام دارد و مقنن ارتکاب چنین قتلی را ممنوع می‌داند؛ اگرچه ممکن است که بتوان چنین موردی را از مصادیق ماده ۲۲۶ ق.م.ا. و مهدورالدم بودن زن و مرد اجنبی دانست که البته اثبات آن هم محتاج دلیل است و قاتل باید استحقاق قتل آن دورا براساس موازین شرعی و قانونی در دادگاه ثابت کند [۸].

چهارم) علم به تمکین

برای مجاز بودن مرد در قتل همسر خود علاوه بر شرایط بالا، او باید عالم به تمکین و رضایت زن به عمل زنا توسط مرد اجنبی باشد. این شرط ناشی از آن است که در مباحث فقهی زنا، قهها وجود قصد و اراده را در مرد مفروض می‌دانند، لکن در مورد زن به احتمال وجود اکراه از طرف مرد نسبت به زن تفاوت قائلند و لذا در این فرض نیز قائل به لزوم یقین شوهر به تمکین همسر خود برای مجاز بودن قتل او شده‌اند. احراز این شرط در عالم اثبات دشوار است و برای جلوگیری از معاف بودن قتلهایی که به صرف ظن و گمان واقع می‌شوند بسیار مهم است. همچنین در صورت یقین شوهر به مکره بودن زن خود قطعاً کشتن او مجاز نیست و شوهر فقط حق کشتن مرد بیگانه را دارد.

ب) سابقه فقهی موضوع

با توجه به اینکه بنابر فرض، مقررۀ مذکور متخذ از فقه اسلامی است و مقنن در تصویب آن به سوابق فقهی حکم توجه داشته، بررسی مستندات فقهی این حکم لازم به نظر می‌رسد.

غالب فقهای امامیه و اهل سنت در کتابهای فقهی خود با استناد به روایات وارد در این

خصوص به بیان شرایط اجرایی حکم و دلایل و علت وضع آن پرداخته‌اند. از جمله این مستندات، روایاتی است که در این باب وارد شده است و فقها براساس آنها، به بیان حکم پرداخته‌اند.

اول) روایات

یک) شهید اول در کتاب دروس به روایات مرسله‌ای به مضمون «رَوَى أَنَّهُ لَوْ وَجَدَ رَجُلًا يَزْنِي بِأَمْرَأَةٍ فَلَهُ قَتْلُهُمَا [۹]» استناد کرده است؛ یعنی اگر شخصی، مردی را در حال زنا با همسرش ببیند می‌تواند هر دو را به قتل برساند.

این روایت، تنها روایتی است که منظوق آن بر حکم ماده مزبور دلالت دارد. با مذاقه در کتابهایی که قبل از کتاب دروس شهید اول تحریر شده‌اند، معلوم می‌شود که چنین روایتی در هیچ‌یک از کتابهای فقهی نیامده است و فقهای که بعد از شهید اول به نقل این روایت پرداخته‌اند، مأخذ روایت را کتاب مذکور قرار داده‌اند [۱۷].

دو) از جمله روایاتی که توسط فقهای شیعه و سنی و با عبارات مختلف در این باب نقل شده، روایت سعدبن عباد، یکی از اصحاب پیامبر (ص) است. در خصوص این روایت نقل کرده‌اند که پس از نزول آیه چهارم سوره مبارکه نور که بیان‌کننده حد قذف است، بحث این آیه در بین اصحاب پیامبر مطرح شد و اصحاب با خطاب قراردادن سعدبن عباد به وی گفتند: اگر مرد بیگانه‌ای را در بستر همسرت ببینی، چه خواهی کرد؟ سعد در پاسخ گفت: گردن مرد بیگانه را با شمشیر می‌زنم. در این هنگام پیامبر (ص) وارد شدند و موضوع را از سعد پرسیدند و پس از نقل موضوع توسط سعد، پیامبر (ص) فرمودند: ای سعد، پس مسأله چهار شاهد که خداوند فرموده است، چه می‌شود؟ سعد عرض کرد: آیا با مشاهده من و علم خداوند بر وقوع این عمل، باز هم چهار شاهد لازم است؟ پیامبر فرمودند: بله زیرا خداوند برای هر چیزی حدی قرارداده و برای کسی که از آن حد تجاوز کند، نیز حدی قرار داده است [۳].

در استدلال به این روایت باید گفت که این روایت در مقام بازداشتن شوهر از قتل بیگانه، به محض مشاهده عمل زناست و حتی زمانی که شوهر شاهد ارتکاب زنا توسط همسر خود با مرد اجنبی است و شهودی که از نظر شرعی برای اثبات موضوع لازم است، وجود ندارد، حق قتل ایشان را نخواهد داشت.

نتیجه آنکه در بیان حکم جواز قتل مرد اجنبی و زن توسط شوهر به هنگام ارتکاب زنا، فقط به مفهوم این روایت استناد شده است که استنباط چنین مفهومی از روایت مزبور دشوار به نظر می‌رسد.

سه) روایت سعید بن مسیب بدین مضمون که مردی در شام بیگانه‌ای را با همسرش در حال زنا دید و اقدام به قتل مرد و همسر خود کرد. سپس معاویه به ابوموسی اشعری نوشت که حکم موضوع را از علی (ع) بپرسد. حضرت در پاسخ فرمودند: «چنانچه چهار شاهد بر تصدیق ادعای خود اقامه نکنند، کشته می‌شود [۲]».

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در این روایت نیز تأکید شده است که فقط هنگامی شوهر مجاز به ارتکاب قتل زن و مرد اجنبی است که بر ادعای خود چهار شاهد اقامه کند و این روایت بر جواز قتل توسط شوهر دلالتی ندارد. بنابراین حکم جواز قتل را نمی‌توان بر مبنای آن صادر کرد.

چهار) روایت فتح بن زید جرجانی از امام موسی کاظم (ع) که نقل می‌کند: به امام عرض کردم کسی به قصد دزدی یا فجور وارد خانه دیگری می‌شود و صاحبخانه او را به قتل می‌رساند، آیا قاتل مجازات می‌شود یا نه؟ امام (ع) فرمودند: بدان هرکس بدون رضای صاحبخانه وارد خانه دیگری شود، خون او هدر است و بر قاتل او چیزی واجب نیست [۵].

پنج) روایت منقول از امام صادق که فرمودند: «هرکس خانه مردم را دید بزند و از روزنه به آنجا نگاه کند و اهل خانه او را مورد اصابت تیر قرار دهند و او را بکشند یا چشم او را کور کنند، مسؤولیتی ندارند [۵]».

دو روایت اخیر از جمله روایاتی هستند که ناظر به بحث دفاع از جان و مال و ناموسند که در آنها ارتکاب قتل به خاطر دفاع و راندن مهاجم تجویز گردیده است. البته باید گفت که در بحث دفاع، مدافع باید آسانترین راه ممکن را برگزیند و چنانچه مهاجم دفع نشود، آخرین راه دفع وی ارتکاب قتل خواهد بود والا به طور ابتدایی قتل مهاجم جایز نیست؛ چنانچه بند «ج» ماده ۶۲۷ قانون مجازات اسلامی هم به این امر تصریح کرده است: «توسل به قوای دولتی یا هرگونه وسیله آسانتری برای نجات مسیر نباشند».

شش) از امیرالمومنین علی (ع) روایت شده که ایشان در مورد مردی که دیگری را کشته و مدعی بود که او را با همسر خود در حال زنا دیده است، فرمودند که قاتل باید قصاص شود، مگر آنکه بر ادعای خود بینه ارائه کند [۵].

دوم) آرای فقها

با بررسی کتابهای فقهی امامیه روشن می شود که موضوع جواز قتل زن و مرد اجنبی در حال ارتکاب زنا توسط شوهر، برای اولین بار در کتاب شیخ طوسی مطرح شده است. پس از شیخ طوسی، محقق حلی در کتاب نکت النهایه ضمن بحث درباره موضوع به طور قاطع و به صورت مطلق این گونه حکم را بیان کرده است: «اگر کسی مردی را کشت و ادعا کرد که او را با زن خود یا در خانه خود دیده است قصاص می شود؛ مگر آنکه به گفته خود بینه اقامه کند [۱۶]».

در کتاب شرایع الاسلام و در مسایل ملحق به احکام زنا این حکم بیان شده و بعد از آن بسیاری از فقها همین حکم را بیان کرده اند. نهایت آنکه، شهید اول در کتاب دروس خود به ذکر روایت مرسله ای که صریحاً جواز قتل را می رساند پرداخته است و این روایت پس از او مورد استناد بسیاری از فقها قرار گرفته است. از میان فقهای متأخر، صاحب جواهر در کتاب حدود به بیان این موضوع پرداخته است. ایشان پس از ذکر عقاید مختلف فقها می گوید که ممکن است تجویز قتل در بیان حکم واقعی امر باشد،

اگرچه گناهی بین او و خدای او نباشد؛ ولی از نظر ظاهر، قصاص بر قاتل (شوهر) ثابت است، مگر آنکه وی بینه‌ای بر ادعای خود اقامه کند یا ولی دم او را تصدیق کند و در این راه به پاسخ امیرالمومنین (ع) به اموسی اشعری اشاره می‌کند که آن حضرت فقط اقامه چهار شاهد توسط شوهر را رافع قصاص دانسته‌اند [۱۲].

شهید ثانی نیز این حکم را مشهور بین اصحاب دانسته و معتقد است که مخالفی در مورد این حکم وجود ندارد و ادامه می‌دهد: اگر مردی، بیگانه‌ای را با همسرش در حال زنا مشاهده کند، می‌تواند هر دو را بکشد و به خاطر این قتل گناهی بر او نیست؛ گرچه استیفای حد در غیر این مورد منوط و متوقف بر اذن حاکم شرع است [۱۰].

مرحوم آیه‌الله خویی در بررسی مستندات مذکوره، برخی از روایات را از لحاظ سند مخدوش و برخی دیگر را ناظر به مورد دفاع می‌داند و نتیجه می‌گیرد که هیچ‌یک از روایات باب دفاع بر نظر مشهور دلالت ندارد. همچنین در مورد روایت مرسله شهید اول نیز ایشان معتقدند که چون قبل از شهید کسی این روایت را ذکر نکرده است، نمی‌توان قائل به استناد قول مشهور به روایت مزبور شد؛ بلکه ضعف این روایت به لحاظ مرسله بودن با عمل مشهور جبران شده است. ایشان در مسأله ۸۹ کتاب خود، قول مشهور را خالی از اشکال ندانسته بلکه ممنوع می‌داند و از دادن فتوا به جواز قتل خودداری می‌کند [۷]. فقهای دیگری نیز مستندات و روایات مربوط به جواز قتل را قویاً رد کرده، از دادن فتوا به جواز قتل خودداری کرده‌اند [۱۶].

به هر حال می‌توان گفت علت وضع حکم ماده ۶۳۰ ق.م.ا. قول مشهور فقهاست که به تبع شیخ طوسی و محقق حلی بدین طریق فتوا داده‌اند. با نگاهی به مسأله ۲۸ کتاب دفاع از تحریرالوسیله امام خمینی (ره) و مقایسه آن با متن ماده ۶۳۰ قانون مذکور درمی‌یابیم که عبارت قانون، ترجمه عبارت مذکور است که ایشان صریحاً چنین قتلی را تجویز کرده‌اند؛ هر چند که معتقدند چنین اجازه‌ای بنابر واقع و نفس الامر است؛ اما در ظاهر قاضی بر اساس موازین شرعی قضاوت می‌کند و چنانچه شوهر بینه‌ای در تأیید گفتارش

اقامه نکند به قصاص محکوم می شود [۶].

از مجموعه نظریات فقهای اهل سنت نیز این گونه برداشت می شود که نظر اکثر ایشان بر این است که اگر شوهر، مردی را در حال زنا با همسر خود ببیند و او را به قتل برساند و زناى محصنه وی را اثبات کند، قصاص نخواهد شد و برخی دیگر احصان را شرط ندانسته اند و در صورت اثبات موضوع، شوهر را از قصاص معاف می دانند. البته در عدد شهود لازم برای اثبات موضوع اختلاف نظر وجود دارد [۲].

ج) حکمت و علت حکم

در بیان علت حکم جواز قتل و معاف بودن شوهر از مجازات قتل همسر خود و مرد اجنبی، نظرهای متعددی توسط دانشمندان ارایه شده است که به مواردی از آنها اشاره می شود:

اول) تهییج و تحریک روحی

در کلمات هیچیک از فقها، حداقل به طور صریح، عصبانیت و برانگیختگی شوهر، مجوز قتل یا عذر معاف بودن وی از مجازات شناخته نشده است [۱۷]. بنابراین برخلاف توجیه حقوقدانان از ماده ۱۷۹ ق.م.ع. سابق براینکه مرد با مشاهده همسر خود در فراش مرد اجنبی، تحریک و برانگیخته می شود یا گرفتار چنان حالت روحی و عصبی می شود که احتمالاً کنترل اعصاب و اراده خود را برای لحظه ای از دست می دهد و در آن لحظه ممکن است دچار رفتار مجرمانه ای علیه همسر خود و مرد اجنبی شود و به دلیل نامشخص بودن رفتاری که از وی سر می زند و معلوم نبودن اینکه از روی اراده سالم و با تسلط بر قوای دماغی خود چنین کرده یا از روی اراده معیوب، مقنن در مورد او با اغماض نگرسته و وی را مستحق معافیت از مجازات جرم ارتكابی دانسته است [۱]، در مورد ماده ۶۳۰ ق.م.ا. که برگرفته از متون فقهی است نمی توان چنین توجیهی را پذیرفت،

چرا که در کلام فقهای متقدم و متأخر، اشاره‌ای به برانگیختگی و تهییج روحی شوهر با مشاهده صحنه زنای ارتكابی همسرش با بیگانه نشده است. بنابراین نمی‌توان حکم ماده اخیرالذکر را از جمله موارد تحریک یا تهییج روحی قلمداد کرد.

دوم) دفاع از عرض و ناموس

در مورد دفاع از عرض، این اتفاق نظر نزد فقها وجود دارد که چنانچه مردی اراده تجاوز به زنی کند و دفاع متوقف بر قتل مهاجم باشد واجب است که متجاوز منع شود و حتی به قتل برسد [۹]. بر همین اساس، عده‌ای از فقها، بحث حاضر یعنی حکم ماده ۶۳۰ ق.م.ا. را در باب دفاع مطرح کرده‌اند و در صدد تطبیق حکم ماده با مبحث فقهی دفاع از عرض و ناموس برآمده‌اند. از جمله شیخ طوسی این بحث را در کتاب «الدفع عن النفس» آورده است [۱۱]. همچنین امام خمینی (ره) این مسأله را در آخر مبحث امر به معروف و نهی از منکر و در باب دفاع مطرح کرده است [۶].

به هر حال اعتقاد به اینکه عمل ارتكابی شوهر در مقام دفاع از عرض و ناموس است، در همه حال یکسان نیست. در جایی که زن ممتنع از عمل زنا باشد و مرد اجنبی، با عنف و اکراه، زن را مجبور به زنا کرده باشد و در آن حال شوهر مرتکب قتل شود، چنین قتلی با تعریف و ضوابط دفاع مشروع منطبق است؛ اما چنانچه زن خود به انجام عمل زنا تمایل داشته باشد و به مرد اجنبی تمکین کند، انطباق این حکم با بحث دفاع مشروع، دشوار به نظر می‌رسد؛ هر چند که برخی از حقوق‌دانان مفهوم دفاع مشروع را توسعه داده، موردی که زن در ارتكاب زنا رضایت داشته است را نیز از موارد دفاع مشروع و معافیت از مجازات می‌شمرند. از طرف دیگر، برخی در توجیه حکم مزبور، دفاع مشروع را به دفاع مشروع عام و خاص تقسیم می‌کنند و مورد دفاع مشروع خاص را جایی می‌دانند که مرد اجنبی علی‌رغم میل باطنی زن و با اکراه و عنف در صدد انجام دادن زنا با وی برمی‌آید و چنانچه در همین مورد زن رضایت داشته باشد و شوهر اقدام

به دفاع کند، آن را از مصادیق دفاع مشروع عام و هدف این نوع از دفاع مشروع را صیانت از اخلاق و نظم و امنیت جامعه و دفاع و دفع منکر دانسته‌اند [۱۴]. چه بسا بر مبنای همین استدلال باشد که برخلاف قانون مجازات عمومی سابق که مقنن ماده ۱۷۹ را در ردیف مواد مربوط به دفاع مشروع ذکر نکرده بود، در قانون مجازات اسلامی، ماده ۶۳۰ در ذیل مواد ۶۲۵ تا ۶۲۹ که به مبحث دفاع مشروع مربوط می‌شود، آمده و به این لحاظ می‌توان گفت مقنن جمهوری اسلامی بر نظر اخیر تأکید داشته است.

سوم) اجرا و اقامه حد الهی

جمعی از فقهای امامیه، حکم ماده ۶۳۰ ق.م.ا. را در ملحقات احکام مربوط به حد زنا ذکر کرده‌اند که به نظر می‌رسد عمل شوهر را به عنوان اجرای حد و حکم الهی تلقی کرده، او را در این کار مجاز دانسته‌اند. البته علی‌الاصول حد پس از ثبوت آن نزد حاکم شرع، باید به وسیله او صورت پذیرد؛ ولی در این مورد اجرای این حکم به صورت استثنایی توسط شوهر، تجویز شده است.

از جمله، محقق حلی در کتاب شرایع در مسأله هفتم از مسایل دهگانه ملحق به باب زنا، این حکم را ذکر کرده است. شهید اول در کتاب دروس، این موضوع را در «کتاب الحسبه» و در بحث امر به معروف و نهی از منکر و اینکه چه کسانی مجاز به اقامه و اجرای حد هستند، ذکر کرده است. به نظر ایشان، همان‌گونه که صاحب برده می‌تواند حد الهی را بر برده خود جاری کند، شوهر نیز می‌تواند همسر خود را به دلیل ارتکاب زنا با اجنبی به قتل برساند و این حد را اجرا کند [۹].

شهید ثانی در شرح لمعه ضمن بیان حکم، هرچند اجرای حد در غیر این مورد را منوط به اذن حاکم می‌داند، جواز قتل زن و مرد اجنبی توسط شوهر را از جمله اقوال مشهور بین اصحاب دانسته است [۱۰].

به طوری که ملاحظه می‌شود، فقهای مذکور ضمن پذیرش این اصل که اقامه و

اجرای حدود الهی از وظایف حاکم شرع است، به عنوان یک استثنا بر اصل درصدد توجیه حکم مذکور برآمده‌اند و شوهر را در اجرای حد زنا مجاز دانسته‌اند؛ اما علی‌رغم این استدلال‌ات چنین استثنایی موجه به نظر نمی‌رسد و اصولاً نمی‌توان قائل به اجرای حد توسط غیرحاکم، آن هم قبل از اثبات موضوع از طریق ادله شرعی شد.

چهارم) مهدورالدم بودن زانی و زانیه (زن و مرد اجنبی)

برخی دیگر از فقها بحث فوق را در باب قصاص ذکر کرده‌اند. توضیح اینکه یکی از شرایط قصاص قاتل، محقون‌الدم بودن مقتول است و چنانچه مقتول مهدورالدم باشد، قصاصی بر قاتل نخواهد بود. صاحب جواهر در بیان شروط لازم برای قصاص، شرط محقون‌الدم بودن مقتول را به عنوان شرط پنجم ذکر کرده و زانی محصن را از اقسام مهدورالدم می‌داند [۱۲]. امام خمینی (ره) نیز در شرط ششم از شرایط لازم برای قصاص به محقون‌الدم بودن مقتول اشاره و در قصاص کسی که زانی و لائظ و مرتد فطری را می‌کشد، اشکال وارد کرده است [۶]. همچنین مرحوم آیه‌الله خویی حکم مذکور را در ذیل همین مبحث مطرح کرده است. گرچه ایشان از جمله فقهای هستند که ارتکاب قتل را از سوی شوهر مجاز ندانسته، یا حداقل مورد اشکال قرار داده‌اند [۷].

در نتیجه باید گفت از آنجا که از نظر فقهی در موضوع مورد بحث، فقط زانی محصن، مهدورالدم محسوب می‌شود و احراز شرایط احصان براساس موازین شرعی، دقت نظر خاصی می‌طلبد و تجویز صریح ارتکاب قتل بدون بررسی شرط احصان‌زانی و زانیه مغایر با اصل احتیاط در دماء و نفوس مسلمانان است و به علاوه بر فرض اثبات احصان زانی و زانیه این افراد فقط نسبت به حاکم شرع، مهدورالدم هستند و اباحه قتل آنان منوط به اذن اوست، بنابراین توجیه حکم ماده مذکور با این نظریه فقهی مشکل به نظر می‌رسد.

پنجم) عامل موجه استثنایی

از آنجا که به هریک از نظرها و تئوری‌هایی که در بیان علت حکم ماده ۶۳۰ ق.م.ا. توسط فقها و حقوقدانان بیان شده، اشکالاتی وارد است و به طور قاطع نمی‌توان یکی از موارد مذکور را علت حکم قلمداد کرد، تئوری عامل موجه استثنایی می‌تواند به عنوان مبنای حکم مورد پذیرش قرار گیرد، بدین معنا که حکم ماده مذکور از جمله مواردی است که مقنن در تطبیق شرایط لازم برای دفاع مشروع، استثنایی بر اصل قائل شده و حتی در صورت فقدان بعضی از شرایط لازم برای دفاع مشروع، نظیر شرط تناسب و ضرورت، آن را از مصادیق دفاع مشروع به شمار آورده و به عنوان یکی از موارد ممتاز دفاع مشروع قلمداد کرده است. این توجیه نیزچندان با واقعیت منطبق نیست و به هر حال به لحاظ عدم امکان تمیز واقعیت امر از آنچه اتفاق افتاده است می‌تواند مورد استفاده سوء قرارگیرد؛ لکن به لحاظ نظری از بقیه توجیه‌هایی که گفتیم به نظر مقنن نزدیکتر است.

د) مرحله اثباتی

همان‌طور که قبلاً بیان شد مرحله اثبات موضوع ماده ۶۳۰ ق.م.ا. واجد اهمیت فراوان است؛ یعنی اینکه اگر واقعه‌ای منطبق با ماده مذکور در مرحله ثبوت تحقق پیدا کرد، در مرحله اثبات در صورت ترافع نزد دادگاه، بار دلیل بر عهده کدام طرف دعواست؟

اول) اثبات موضوع از نظر حقوقی

روش مرسوم در عالم حقوق این است که با وقوع جرم، متهم یا مظنون به محاکمه کشیده می‌شود. در باب قتل در حقوق موضوع ایران طرق اثبات قتل مشخص و احصا شده که عبارتند از اقرار، شهادت، قسامه و علم قاضی که شرایط هریک از آنها از بحث ما خارج است. اما اگر شوهر با اقرار به قتل، ادعا کند اقدام او مشمول ماده ۶۳۰ ق.م.ا.

بوده آیا می‌توان گفت اقرارش علیه خودش قابل استناد است و برای اثبات ادعای مضمول ماده ۶۳۰ باید دلیل ارائه کند؟ به عبارت دیگر آیا می‌توان اقرار مرکب مذکور را به یک اقرار و ادعا تجزیه کرد و با هر کدام بر طبق اصول یعنی «اقرار العقلا» و «البینة علی المدعی» عمل کرد. این تفکیک در موردی که قتل با شهادت، علم قاضی و قسامه هم ثابت می‌شوند وجود دارد که ممکن است قاتل مدعی مضمول ماده ۶۳۰ بر عملش گردد که باید در این مرحله دلیل اقامه کند و به اصطلاح «انقلاب دعوا» یعنی جابه جا شدن مدعی و مدعی علیه حادث می‌شود. به نظر می‌رسد روش فوق با توجه به مجموعه مقررات آیین دادرسی قابل توجیه باشد که تفصیل آن برعهده صاحب نظران این رشته است.

دوم) اثبات موضوع از نظر فقهی

در بحث مرحله ثبوتی به بعضی از نظرهای فقها از جمله نظر امام خمینی (ره) اشاره شد؛ اما در اینجا نظر ایشان را بدین لحاظ که منبع وضع قانون بوده بیشتر بررسی خواهیم کرد. ایشان در کتاب دفاع بعد از بیان شرایط ثبوتی موضوع می‌فرماید: «در موردی که ضرب و جرح و کشتن جایز شمرده می‌شود، این جواز بینه و بین‌الله است و در واقع گناه و مسؤولیتی نزد خدا وجود ندارد. اما از نظر ظاهری، قاضی باید بر اساس ملاک باب قضا داورى کند. لذا اگر کسی دیگری را بکشد و مدعی شود که او را در بستر همسر خود دیده است، لکن بر اساس مقررات شرعی شاهدهی برای اثبات ادعای خود نیابد محکوم به قصاص می‌شود، چنانکه در اشتباه و نظایر آن نیز چنین عمل می‌شود [۶].»

بر اساس نظر مذکور، صرف ادعای قاتل بر مهدوالدم بودن مقتول موجب عدم مسؤولیت وی نمی‌شود و در صورت ارائه ادله شرعی (چهار شاهد عادل مرد) قصاص می‌شود. ماده ۲۲۶ ق.م.ا. نیز همین نظر را پذیرفته است و تأکید دارد: «قتل نفس در صورتی موجب قصاص است که مقتول شرعاً مستحق کشتن نباشد و اگر مستحق قتل

باشد باید استحقاق قتل او را طبق موازین در دادگاه اثبات کند». بنابراین در موضوع مورد بحث، قاتل (شوهر) باید شرایط تحقق ماده ۶۳۰ را در مورد خاص اثبات کند تا از مجازات معاف گردد و الا قصاص می شود. سیستم مورد بحث برای اثبات زنا نیز با توجه به نظر فقها و فصل دوم از باب اول مجازات اسلامی (مواد ۸۱-۶۸) سیستم دلایل قانونی است که در آن، حدود اعتبار هریک از دلایل و شرایط آنها را قانون تعیین می کند و قاضی مکلف به رعایت آنهاست ولو منجر به قناعت وجدان او نشود. البته سیستم مذکور در عمل با دشواری در اثبات مواجه است؛ زیرا در فرض مسأله، متهم یا متهمان به زنا کشته شده اند و لذا اثبات موضوع از راه اقرار ایشان ممکن نیست و فقط می توان به شهادت یا علم قاضی تمسک کرد. تمسک به شهادت هم با توجه به مواد ۷۵ تا ۷۹ ق.م.ا. ساده نیست؛ زیرا شهود باید حادثه را به نحو خاص رؤیت کرده باشند و ادعای آنها معارض یکدیگر نباشد که وقوع چنین فرضی بسیار دشوار و حصول علم قاضی هم بسیار بعید است و در هر حال اثبات استحقاق قتل موضوع ماده ۶۳۰ ق.م.ا. «تعلیق به محال» است و به همین دلیل، امام (ره) و سایر فقها معتقدند در صورت عدم اثبات ادعای شوهر اگر واقعاً محق باشد بینه و بین الله مسؤولیت ندارد؛ اما به لحاظ دنیوی قصاص می شود و این امر با مأجور بودن او نزد خداوند منافاتی ندارد. نکته آخر اینکه ماده مذکور به شوهر حق چنین کاری را داده است نه اینکه او را مکلف کرده باشد و لذا او می تواند از اعمال حق خود خودداری کرده، و برای مجازات خاطیان به محکمه مراجعه کند یا با توسل به لعان، همسر خود را طلاق دهد.

۳- نتیجه گیری

با توجه به مباحث مطرح شده در این مختصر باید اذعان داشت که نظر به ایراداتی که به استدلالات راجع به توجیه حکم ماده ۶۳۰ ق.م.ا. (قتل در فراش) وارد است به درستی نمی توان تئوریهای مطرح شده در مورد مبنای این حکم را توجیه کرد. از طرف دیگر به

دلیل آنکه روایت مرسله شهید اول که به عنوان مستند فقهی این حکم معرفی شده، توسط فقها مورد تردید قرار گرفته - ولو اینکه بعضی معتقدند ضعف آن با عمل مشهور جبران شده است - لزوم احتیاط در دماء و نفوس مسلمانان و جلوگیری از سوءاستفاده برخی اشخاص از این حکم، ایجاب می‌کند که از فتوا دادن براساس آن خودداری شود. همچنین با توجه به وجود نص قانونی در مورد کیفیات مخففه قضایی (ماده ۲۲ ق.م.ا) و امکان برخورداری مرتکب جرم از تخفیف براساس ماده مذکور، قرارداد حکم ماده ۶۳۰ ق.م.ا. در شمول کیفیات مخففه مناسبتر به نظر می‌رسد. به عبارت دیگر، وجود عواملی مانند «رفتار و گفتار تحریک‌آمیز مجنی علیه یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم» تحت عنوان اوضاع و احوال خاصی که متهم تحت تأثیر آنها مرتکب جرم شده - که قابل انطباق با موضوع قتل زن و مرد اجنبی توسط شوهر است و در ماده ۲۲ ق.م.ا. به آن تصریح گردیده - این امکان را برای قاضی رسیدگی کننده به موضوع فراهم می‌سازد که با تشخیص موضوع، مرتکب را از تخفیف مجازات برخوردار سازد. بنابراین بهتر بود که مقنن امکان تعمیم حکم ماده ۲۲ ق.م.ا. را به مجازاتهای شرعی معین [حدود] فراهم می‌ساخت تا علاوه بر مجازاتهای تعزیری و بازدارنده، حدود شرعی که حکم ماده ۶۳۰ یکی از موارد آن است مشمول حکم ماده ۲۲ ق.م.ا. قرارگیرند، تا در موارد مشابه بدون تصویب متن قانونی که ممکن است مورد سوءاستفاده قرارگیرد، قاضی در بررسی هر دعوا تخفیف لازم را اعمال کند. به علاوه در صورتی که مقنن نظر به حفظ حکم ماده ۶۳۰ به لحاظ محتوایی داشته باشد به منظور جلوگیری از سوءاستفاده از حکم مذکور می‌تواند مورد را با ماده ۲۲۶ ق.م.ا. تطبیق دهد تا مدعی (شوهر) در صورت اثبات مهدورالدم بودن زن یا اجنبی از قصاص معاف شود. در این صورت نیازی به تعیین مقرر مستقلی مانند ماده ۶۳۰ نخواهد بود، هرچند توجیه ماده اخیرالذکر نیز مجمل تأمل است و تحلیل آن احتیاج به فرصت دیگری دارد. به هرحال حفظ حکم ماده ۶۳۰ با وضعیت موجود به مصلحت جامعه نیست و با هدف

«حفظ امنیت قضایی» مغایرت دارد.

۴- فهرست منابع

- [۱] آزمایش، علی، «بررسی تحلیلی از ماده ۱۷۹ قانون کیفر همگانی»، مجله حقوق مردم، ش ۳۳ و ۳۴، ۱۳۵۲.
- [۲] ابن قدامه، المغنی، بیروت، بی تا، ج ۷، جزء ۷، ص ۶۴۹.
- [۳] الجزیری، عبدالرحمن، الفقه علی مذاهب الاربعه، بیروت داراحیاء التراث العربی، بی تا، ج ۵، ص ۶۷.
- [۴] حائری شاهباغ، علی، شرح قانون مجازات عمومی، فومن، مؤسسه مطبوعاتی آرش، ۱۳۵۳، ص ۹۰.
- [۵] حرعاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، ج ۵، تهران، دارالاسلامیه، ۴۰۱، ج ۱۹.
- [۶] خمینی، روح الله، تحریرالوسیله، ج ۲، قم، دارالعلم، بی تا، ص ۴۹۱ و ۴۹۲.
- [۷] خویی، ابوالقاسم، مبانی تکملة المنهاج، ج ۲، نجف، مطبعة الآداب، بی تا، ج ۲، ص ۸۴ و ۸۸.
- [۸] زکی ابو عامر، محمد، القانون الجنائی، قاهره، الدارالجامعیه، بی تا، ص ۱۵.
- [۹] شهید اول، محمدبن جمال الدین، کتاب الدروس، ج ۱، قم، انتشارات صادقی، ۱۴۰۶، ص ۱۶۵.
- [۱۰] شهید ثانی، زین الدین، الروضة البهیة، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا، ج ۹، ص ۱۲۰.
- [۱۱] شیخ طوسی، المبسوط فی فقه الامامیه، انتشارات مرتضویه، ۱۳۵۱، ج ۸، ص ۷۶.
- [۱۲] صاحب جواهر، محمد حسن، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، چاپ هفتم، بیروت، دارالحیاء التراث العربی، بی تا، ج ۴۲، ص ۳۶۸.
- [۱۳] العطار، داود، دفاع مشروع در حقوق جزای اسلام، ترجمه اکبر غفوری، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰، ص ۱۸۲.
- [۱۴] عوده، عبدالقادر، التشریع الجنائی الاسلامی، ج ۴، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۴۷۴.
- [۱۵] گارو، رنه، مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا، ترجمه دکتر ضیاءالدین نقابت، تهران، ۱۳۵، ص ۱۷.
- [۱۶] منتظری، حسینعلی، ج ۲، قم، انتشارات دارالفکر، بی تا، ج ۱، ص ۱۳۴.
- [۱۷] مهرپور، حسین، «سیری در مبانی فقهی و حقوقی ماده ۶۳۰ ق.م.ا»، ج ۲، نامه مفید، س ۲، ش ۴.
- [۱۸] نجیب حسنی، محمود، شرح قانون العقوبات (القسم الخاص)، چاپ دوم، قاهره، دارالنهضة

العربی، ۱۹۹۲، ص ۳۹۵-۳۹۴.

- [۱۹] وزیری، ابوالفتح، «معافیتهای قانونی و تحلیلی از ماده ۱۷۹ق.م.ع»، مجله حقوقی وزارت دادگستری، ش ۲، ۱۳۵۲، ص ۳۸-۳۶.
- [۲۰] ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام، چاپ دوم، تهران، شرکت افست، ۱۳۶۷، ج ۱ و ۲، ۲۹۰، ۳۲۳، ۲۹۲۳، ۲۸۶.

* * *

یکی از هدفها یا ایده‌هایی که می‌بایستی قوه قضاییه دنبال کند، استقلال و اقتدار قوه قضاییه از هرگونه تأثیرپذیری است، این دستگاه باید هرچه مستقل‌تر باشد و اقتدار بیشتری در مقابل تأثیرپذیری داشته باشد. این را شاید در جای دیگری هم عرض کرده‌ام که اقتدار، صدور احکام خیلی خشن، خیلی سخت و سختگیرانه نمی‌باشد. اقتدار قوه قضاییه، در استقلال اوست در اینکه تحت تأثیر توصیه‌ها قرار نگیرد، هیچ قدرتی، هیچ مقام دیگری و هیچ قوه دیگری نتواند تأثیری در این قوه بگذارد و قاضی واقعا با اختیار کامل خود، نظر قضایی خود را براساس قانون، براساس احکام الهی، در یک نظام اسلامیه قضایه اسلامی، اعمال کند.

حضرت آیت‌الله شاهرودی ریاست محترم قوه قضاییه

درگردهمایی مسؤولان قضایی، بهمن ۷۸